

«شرق» تلاش‌ها برای مدیریت و کنترل تنش باکو با تهران را بررسی می‌کند

# ضروری اما ناکافی

ارزبایی خود، سفرهای مکرر مقامات اسرائیلی از آلی کوهن، وزیر امور خارجه برای افتتاح سفارتشان در باکو گرفته تا اولین سفر اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل به جمهوری آذربایجان را مؤید این واقعیت می‌داند که تحولات منطقه قره‌باغ و قفقاز با نقش آفرینی مستقیم اسرائیل به سمتی میل کرده است که هر لحظه امکان دارد امنیت و تمامیت ارضی ایران در معرض تهدید قرار گیرد. از این‌رو، ناصری اذعان دارد که این دست موضع‌گیری‌های ناصر کنعانی و تلاش‌های انجام‌شده از جانب حسین امیرعبداللهیان و سیدعباس موسوی به‌هیچ‌وجه کافی نیست، اگرچه به زعم او ضروری است. در راستای ارزیابی جلال ناصری، خزر ابراهیم، سفیر جمهوری آذربایجان در واشنگتن تأکید دارد که «باکو به دنبال تقویت هرچه بیشتر روابط با تل‌آویو است. از این‌رو غیرممکن است که جمهوری آذربایجان در حاشیه روابط ترکیه و اسرائیل بماند». البته سفیر باکو در واشگتن در مصاحبه با رسانه اسرائیلی «JNS» ادعا کرد که «اتحاد (جمهوری) آذربایجان با اسرائیل و آمریکا در راستای منافع و دیدگاه ملی آن است و برای تهدید کسی طراحی نشده است»؛ چراکه به گفته خزر ابراهیم، «روابط دوجانبه و سه‌جانبه بین سه کشور عمیق، گسترده و راهبردی است و بازدیدهای هفتگی از همه جهت در سطوح بالا انجام می‌شود». این دیپلمات جمهوری آذربایجان در ادامه مدعی شد «هر کاری با شرکای خود انجام می‌دهیم، برای خودمان انجام می‌دهیم، ما این کار را بر اساس منافع ملی خود انجام می‌دهیم، ما این کار را بر اساس ارزش‌ها و چشم‌انداز مشترک خود انجام می‌دهیم، ما این کار را علیه هیچ‌کس دیگری انجام نمی‌دهیم». سفیر باکو در آمریکا در پایان اعلام کرد: «ما نمی‌توانیم از معادله دور بمانیم، ما شرکای استراتژیک هستیم و هرگز از کمک به ترکیه و اسرائیل برای نزدیک‌شدن هرچه بیشتر و همکاری با یکدیگر دوری نخواهیم کرد. آذربایجان همیشه سعی خواهد کرد در هر زمان که ممکن است اتفاق ناخوشایندی بین دوستان، شرکا و متحدان ما رخ دهد، کمک کند». به‌تازگی نیز فرایز رضایف، معاون وزیر خارجه جمهوری آذربایجان، ادعا کرده بود که «باکو در مناقشات دیگر کشورها مداخله نمی‌کند؛ بنابراین به اسرائیل اجازه حمله از خاکش به ایران را نخواهد داد». ادعایی که جلال ناصری در بخش پایانی ارزیابی خود با «شرق»، آن را چندان مطابق با واقعیت‌های میدانی نمی‌داند. از این‌رو تحلیلگر مسائل حوزه قفقاز متذکر می‌شود: «تا زمانی که ایران به شکل جدی یک برنامه منسجم را در قبال سیاست‌های باکو و نقش آفرینی اسرائیل در منطقه قفقاز و قره‌باغ تعریف و پیاده نکند، تماس‌های تلفنی و موضع‌گیری‌های مثبت تهران با طرف آذربایجانی، به‌صورت مقطعی اثرگذار هستند و در میان‌مدت و بلندمدت تحولات به سمتی پیش خواهد رفت که تهران همچنان درگیر خواهد بود». چون ناصری تأکید دارد که باکو و تل‌آویو به‌عنوان شرکای کلیدی در زمینه امنیت، نفت و انرژی، بهداشتی، دفاعی، لجستیکی، اقتصادی و تجاری و حتی سایبری شروع به دور تازه‌ای از همکاری‌های دوجانبه کرده‌اند که بعد از افتتاح سفارت‌های دو کشور است.

**تلاش برای کنار گذاشتن ایران روسیه‌از تحولات قفقاز؟**

امیر علیپور نیز مشابه با آنچه جلال ناصری عنوان کرد، در کپ‌وگفت خود با «شرق» به موضوع مهم‌تری اشاره دارد که ناظر بر تلاش آذربایجان برای کشاندن پای ناتو، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و انگلستان به تحولات قفقاز و قره‌باغ است. این تحلیلگر اعتقاد دارد در دور جدید تلاش‌های جمهوری آذربایجان برای تحمیل مذاکرات و توافقات جدید به جمهوری ارمنستان، سعی شده است پخت‌وپزهایی بدون حضور ایران و همچنین روسیه انجام شود. پیرو نکته مطرح‌شده امیر علیپور، شنبه این هفته میخائیل گالوزین، قائم‌مقام وزارت امور خارجه روسیه نیز تصریح کرد که «ایالات متحده درصدد است روسیه را از روند



صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان خارج کند». گالوزین اذعان کرد: «ایالات متحده در همه‌جا تلاش می‌کند به همین هدف دست یابد. از یک‌سو، روسیه را بیرون کند و از سوی دیگر، کشورهای مستقلی را که شرکا و متحدان روسیه هستند، به سبک نواستعماری تحت سلطه خود درآورد. این همیشه دغدغه اصلی آمریکا بوده است». در همین زمینه رابرت البوت، نماینده آمریکا در امور قفقاز، چهارشنبه گذشته حین بازدید از منطقه «شوشا» در جمهوری آذربایجان، مدعی تلاش در برقراری صلح پایدار بین باکو و ایروان شد. البوت که برای شرکت در رویداد بین‌المللی تحت عنوان «بازسازی، آشتی و یکپارچگی و انرژی، اقتصاد، محیط زیست و برابری» در شوشا حضور داشت، عنوان کرد: «گفت‌وگوها بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای حفظ صلح و ثبات در منطقه بسیار مهم است». هرچند میخائیل گالوزین اعتقاد دارد «ذیل بیانیه سه‌جانبه سران روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان که به جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ پایان داد، جایگزینی برای عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان وجود ندارد» اما به نظر می‌رسد تحولات در عمل به نحو دیگری رقم می‌خورد. به همین واسطه، قائم‌مقام وزارت امور خارجه روسیه این را متذکر شد که مسکو مخالف مشارکت سایر کشورها در حل‌وفصل ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیست اما به گفته او، «این کمک‌ها نه در گفتار، بلکه باید در عمل و در راستای توافقات اساسی سران کشورهای یادشده باشد». در مقابل این موضوعات، امیر علیپور یادآور می‌شود که مذاکرات صلح بین جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان در روزهای اخیر برگزار شده ولی به باور او و تأکید ایروان، همچنان محاصره بخش ارامنه‌نشین قره‌باغ و انسداد مسیر مهم لاجین توسط باکو ادامه دارد. در همین زمینه، روز یکشنبه «آکس پایلا» و «مارکو رویوو»، دو قانون‌گذار آمریکایی، لایحه‌ای دوحزبی به سنای ارائه کردند که در آن از ایالات متحده خواسته شده تا فشار بر جمهوری آذربایجان را برای پایان‌دادن به محاصره کریدور لاجین افزایش دهد. محاصره قره‌باغ از سوی جمهوری آذربایجان باعث شده بیش از صد هزار نفر از ارامنه ساکن منطقه به نیازهای اولیه دسترسی نداشته باشند. سناتور پادبلا در توییتی نوشت: «به همین دلیل است که لایحه دوحزبی ارائه کردم که این محاصره را محکوم کرده و از ایالات متحده می‌خواهم اقدام کند». نخست‌وزیر ارمنستان نیز در گفت‌وگو با رئیس‌جمهوری روسیه، بار دیگسر درباره وضعیت در کریدور لاجین در منطقه قره‌باغ کوهستانی ابراز نگرانی کرد و آن را بحرانی خواند. با این خوانش، تحلیلگر مسائل اوراسیا به ذکر نکته مهمی ناظر بر تلاش‌های باکو و شخص الهام علی‌اف می‌پردازد: تلاش‌هایی که از دید علیپور، با هدف تشدید فشار از سوی ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در راستای تحمیل توافق مدنظر به ارمنستان است که به اذعان کارشناس ارشد حوزه بین‌الملل، قطعاً تبعات جدی را برای تمامیت ارضی ایران به دنبال خواهد داشت؛ چراکه علیپور این نوع از توافق با حضور و نقش آفرینی ترکیه، آمریکا و کشورهای اروپایی را بسترساز شرایطی می‌داند که در ادامه می‌تواند به تحمیل کریدور با دالان جعلی و موهوم «زنک‌زور» منجر شود؛ دالانی که در صورت تحقق می‌تواند علاوه بر قطع ارتباط سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان، پای ترکیه و به دنبال آن ناتو را از طریق این دالان به دریای خزر باز کند.

### یادداشت

رویکرد رسانه به پدیده مبارزه با کار کودکان

## کودکانی که رسانه ندارند

**احمد افروز، کارشناس رسانه و ارتباطات**، ۱۲ ژوئن مصادف با ۲۲ خرداد، روز جهانی مبارزه با کار کودکان نام‌گذاری شده است. پدیده کودکان کار یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی در جهان است که دامن‌گیر بسیاری از کشورهای دنیا ازجمله کشور ما ایران شده است. هرچند امروزه در کنار نهادها و گروه‌های مدافع حقوق کودکان، قوانین بین‌الملسی نیز توجه جدی به تأمین حقوق کودکان از جمله عدم به‌کارگماردن آنان دارند؛ اما وجود منافع مالی برای پیمانکاران، کم‌توجهی دولت‌ها و در رأس اینها نیاز خانواده‌هایی که درگیر فقر هستند، موجب تداوم این مسئله شده است تا همچنان شاهد به‌کارگیری کودکان در مشاغل مختلف ازجمله مشاغل سخت و کاه دور از شان انسانی مانند تکدی‌گری یا حتی استفاده از این کودکان در گروه‌ها و باند‌های تبهکاری باشیم. شکی نیست که یکی از تکالیف مجموعه حاکمیت اجرائی و همچنین جوامع انسانی دفاع از این کودکان و بهره‌مندسازی آنان از حقوق‌شان است؛ چراکه موضوع کودکان کار صرفاً محدود به مسئله کار و رنج آنان نمی‌شود؛ بلکه یک موضوع جدی در حوزه جرم، امنیت و آسیب‌های اجتماعی و نیز هدررفت سرمایه انسانی یک کشور است. پس این‌گونه می‌توان گفت که یکی از الزامات هر جامعه‌ای ایجاد زمینه‌های مناسب برای آموزش شهروندان و ارتقای سطح آگاهی آنان به‌ویژه درباره حقوق‌شان است که الزاما بخشی از این تکلیف برعهده رسانه‌ها است. رسانه به‌عنوان یکی از ارکان مهم آموزش و مطالبه‌گری مسئولیت‌پیکری این معضل اجتماعی را دارد؛ چیزی که با وجود گذشت سال‌ها از ورود ادبیات کودکان کار کمتر شاهد آن بوده‌ایم. این مسئله زمانی غم‌انگیزتر می‌شود که کودکان کار به واسطه موقعیت اجتماعی، اغلب افرادی فراری از حق‌خواهی و درعین‌حال بسیار بی‌صدا هستند؛ بنابراین مسئولیت رسانه چنین ایجاب می‌کند که صدایی رسا برای این قشر از جامعه باشد. رسانه‌ها و در رأس آنها صداسوسیا در انتقال صدای این افراد و مطالبه حقوق اجتماعی و شهروندی آنان یا بنا را بر فراموشی و نادیده‌گرفتن گذاشته‌اند یا صرفاً در حد رفع تکلیفی ساده یا مطنبی کوتاه و اشاره‌وار به آن می‌پردازند. مجموعه رسانه‌ای کشور نه‌تنها مسئولیت خود را در قبال این‌گروه از اجتماع انجام نمی‌دهد؛ بلکه آنچه از تحلیل محتوای مطالب و خروجی آنها به دست می‌آید، برجسب‌هایی مانند خرده خلأفکار، نابهنجار، بی‌خانواده، غیرقابل اعتماد و… است که بر پیشانی کودکان کار می‌خورد. در این بررسی البته نباید از مسئله شکاف اطلاعاتی به‌عنوان یکی از موضوعات انتقادی در عرصه رسانه‌ها که ناظر بر عدم دسترسی طبیعی از مردم جهان به رسانه است، غافل بود؛ آسبیی که عمدتا در کشورهای موسوم به جنوب و جهان سوم شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر عدم دسترسی فقرا به رسانه منجر به بی‌عدالتی اطلاعاتی است. پدیده‌ای که درباره کودکان کار نیز صادق است؛ پس به موازات طرح انتظار از رسانه برای انجام این مسئولیت اجتماعی باید به مسئله دسترسی کودکان کار به رسانه نیز توجه داشت. کودکان کار به واسطه جایگاه و وضعیتی که دارند، عمدتا نه دسترسی به رسانه‌های خرد و کلان دارند و نه فضای مشخصی برای اینکه بتوانند از طریق رسانه‌ها صدای‌شان را منعکس کنند. ازاین‌رو می‌توان گفت کودکان کار در سپهر رسانه‌ای کشور رنج مضاعف را تحمل می‌کنند. عدم دسترسی به رسانه به‌عنوان مدرسه‌ای برای آموزش و هم‌زمان بی‌مهری رسانه به این طبقه ناآگاه به حقوق اجتماعی و شهروندی. پس سیاست‌گذاری رسانه در راستای مسئولیت‌های خود مکلف به طراحی برنامه‌های حمایتی و آموزشی و ایفای حقوق کودکان جامعه به‌ویژه کودکان کار و همچنین ازبین‌بردن شکاف طبقاتی برای دسترسی این کودکان به رسانه و محتوای آن و مطالبه‌گری از مسئولان در راستای تأمین حقوق کودکان و مبارزه با کارکردن آنان است؛ هرچند شاید این انتظاری دور، از رسانه‌های بی‌رهم باشد.

# ریموند ویل

**RAYMOND WEIL**  
GENEVE



# SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran